

مجموعه شعر

کاغذ سیگار کدام سرگردانیم!

سید محمد جواد هاشمی

www.ketab.ir

سرشناسه : هاشمی، سیدمحمدجواد، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور : کاغذ سیگار کدام سرگردانیم :
مجموعه شعر اسیدمحمدجواد هاشمی.
مشخصات نشر : گفتمان اندیشه معاصر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری : ۸۶ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۷۹-۵۵-۶
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : شعر فارسی-- قرن ۱۴
موضوع : Persian poetry -- ۲۰th century
رده بندی کنگره : PIR ۸۳۶۴/الف ۲ ک/ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی : ۶۲/۱۶۸
شماره کتابشناسی ملی : ۴۹۲۱۷۵۳



۰۹۱۳۴۰۴۰۹۳۹

gofteman61@hotmail.com

gofteman61@yahoo.com

کاغذ سیگار کدام سرگردانیم

سید محمد جواد هاشمی

ناشر: گفتمان اندیشه معاصر

طرح جلد: فرزاد ادیبی

شمارگان: ۲۰۰ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۷۹-۵۵-۶

قیمت: ۱۳۰۰۰۰ نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

درآمد

این روزها با دفترهای شعری روبرو می‌شویم که هر کدام برای خود سازی می‌زنند و از تنوری من درآورده خودشان که حاصل درک ناقصی از ترجمه‌های ناقص است پیروی می‌کنند تا جایی که سلامت زبان را به مخاطره انداخته‌اند و جالب این جاست که این تصرفات خارج از قاعده در زبان را که نتیجه‌اش ناتوانی متن است در ارتباط بدوی با خواننده، و این نقیصه را هم شاعرانگی متن جلوه می‌دهند؛ بنا بر تنوری ابهام که متن هرچه مبهم‌تر عمیق‌تر و نفهمیده‌اند که ابهامی که در شعر از آن سخن می‌رود در به هم پاشیدگی صرف و نحو زبان نیست که پیچیدگی حاصل از نگاه پیچیده و عمیق شاعر است به پدیده‌های خلقت و اگر ژرفایی در کلام شاعر است در قدرت چینش فضای خیال اوست نه در زبانی که مفهوم اهالی امروز که هیچ بلکه هرگز در هیچ زمانی به تفهیم نخواهد رسید.

و عده‌ای دیگر که شگرد تازه‌ای را کشف کرده‌اند که صد البته کشف نیست شگردیست که شعرای کلاسیک مضمون‌پرداز سالیان درازی به ورطه‌ی آن افتاده‌اند و رهایی از آن هم که آفت بزرگی در شعر کلاسیک ماست آسان نیست و اینان هم به قافیه‌بندی

تازه‌ای در شعر سپید رسیده‌اند به شکلی که مصراعی به ذهنشان می‌رسد درست مثل شاعر کلاسیک‌سرای قافیه‌بند که یک مصرع می‌گوید و آن را بنیان غزل خویش می‌سازد و از آن پس از قافیه و همنشینیش با ردیف پیروی می‌کند و به کمک آن‌ها به خیال خویش تصویر می‌سازد و غزل را به پایان می‌برد. حال ببینیم این نوپردازان قافیه‌بند چه می‌کنند؟ در شعر سپیدشان که قافیه‌ای نیست اینان به یاری یکی از واژگان مصرع اولیه به خیال می‌روند و به خیال خویش چند مصرع دیگر می‌سرایند و دوباره به واژه‌ای دیگر گیر می‌دهند و با تداعی و تبادر مصاربع دیگری صادر می‌کنند به گونه‌ای که این سلسله‌ی تداعی‌ها را به خوبی می‌توان در شعرشان یافت و حاصل این تلاش تصاویری پراکنده است و در پاسخ هم همان سلسله را مدعیند که شعرشان بر پایه‌ی تداعی است و گروه‌های دیگر که پیدا است هیچ کدام به ماهیت شعر و هنر پی نبرده‌اند.

هاشمی از هیچ کدام از آن گروه‌ها نیست. او به خوبی ماهیت شعر را می‌شناسد که آفرینش انسان همانند آفرینش خداست با این تفاوت که آفرینش خدا حقیقی است و آفرینش انسان مجازی و او به خوبی دریافته است که از میان مجازها هم قوی‌ترینشان مجاز استعاره است. او در اغلب اشعار و به جرأت می‌توان گفت در تمام اشعار این مجموعه به این ویژگی دست یافته است و توانسته فضایی استعاره‌ای در خیال بیافریند که اغلب آن‌ها بی‌نقص است و در نتیجه اغلب اشعار تأویل‌پذیرند و گستره‌ی تأویلشان هم گاهی از مرز تعداد خوانندگان می‌گذرد و بعضی از شعرها در هر خوانش به

تاویلی تازه می‌رسد و این ویژگی هنر و آفرینش انسان است همان که شاهکارهای ادبیات ایران و جهان را به وجود آورده است.

البته نواقصی هم در این دفتر دیده می‌شود که ابتدا در نظر داشتم معایب و محاسن این دفتر را جداگانه به تحریر درآورم بعد منصرف شدم و دیدم اگر به ترتیب کتاب تنظیم کنم برای خوانندگان این سطور روان‌تر خواهد بود بنا بر این به ترتیب دفتر، ویژگی‌های برجسته اشعار را بیان می‌کنم:

یکی از شعرهای بلند موفق که فضای استعاری شطرنج با تمام توانش در ترسیم فضای احساس شاعر کوشیده است و استعاره‌ای را به تصویر کشیده است با قدرت تاویلی گسترده که به جرأت می‌توان گفت بیش از تعداد خوانندگان است. شعر (۲):

بوی تند قهوه

لشکری سپیدآراسته،

سواران بر سمند و پیل

فرمان نخست را

گوش ایستاده‌اند...

✱

نمونه‌ی زیبای دیگر که فضای خیال و فضای احساس هم‌زمان شکل گرفته‌اند ظاهراً این احساس در کنار زاینده‌رود به شاعر دست داده است زاینده‌رود خشکیده و همان فضا را برای خیال برگزیده است این نوع زایش در شعر، برترین و قوی‌ترین شکل است باروری خیال و زایش احساس در یک زمان البته ممکن است

تولد هم‌زمان نباشد اما مهم هم‌زمانی دو فضای مشبه و مشبه‌به در یک زمان است و برجستگی و قوت از آن جاست که شاعر تصویر خیال خود را منطبق بر تصویر واقعی شکل می‌دهد. ممکن است خواننده زاینده‌رود را مجسم نکند و نیازی هم نیست که به این دریافت برسد. این رود می‌تواند هر چیز و هر کسی باشد که در جایگاه خود نیست یا از توانش خویش افتاده است. شعر (۶)

رد این رود را که بگیری

به دریا.....

نه، این رود را رها کن

که ماهیان بسیاری را تابه است

پرواز را پرواز را

دل اگر به آسمان بسیاری

بال لازم نیست

*

گزینش واژگان برای فضای استعاری به گونه‌ای که وسواس در هر واژه از هر نوعی در آثار آقای هاشمی شایان توجهی خاص است: چهل، انگور، موستان، شراب، و شغال که واژگان اصلی در این روایت هستند حال استعاره‌های جزئی چون مردمک چشمان و کنایه‌ی حریرپوش بهمانند که در مراحل پنهان در همان فضا هستند. این نوع گزینش شاید تهمت ساختار کلاسیک به شعر هاشمی را در پی داشته باشد اما با کمی دقت می‌بینیم که این تناسب‌ها در نگاه اول

دیده نمی‌شوند و همین ویژگی او را از این تهمت مبرا می‌کند. شعر
(۸)

چهل بار گفته است این انگور
مایه‌ی شراب شدن ندارد
و من هر بار
برق آن دروغ را...

*

گاهی به تمثیل‌هایی برمی‌خوریم که ظاهراً ساختار تمثیلی
ندارند اما تمثیلند و نوع ارائه‌ی آن است که چون در قالب یک نقل
قول بیان می‌شود خرق عادت است و جاذبه‌ای خاص دارد تمثیلی
که از زبان پدربزرگ در پایان شعر (۹) آمده است.

...پدربزرگ می‌گفت

از کت‌های سیب‌زمینی

انتظار رویش گندم بیهوده است

گاهی هم یک بی‌دقتی، فضای استعاره‌ی شکل گرفته در ذهن
شاعر را ویران می‌کند و گستره‌ی تأویل را از شعر می‌رباید در شعر
کوتاه (۱۰) آرزو در یک تشبیه مضمر به اقیانوس همانند شده است
و دیگر پدیده فضای خیال، اقیانوس نیست و پیداست احساس شاعر
چیست و همین بی‌دقتی فضای احساس شاعر را لو می‌دهد البته این
کاستی‌ها در شعر هاشمی به ندرت دیده می‌شود و لازم است اشاره
کنم که این نقص در شعر اغلب شاعران کم و بیش وجود دارد.
اقیانوس